

امامان شیعه و وحدت اسلامی

شهاب الدین وحیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان

اشاره

اولین بار در حج تمتع سال ۱۳۸۷ کتاب امامان شیعه و وحدت اسلامی تألیف دوست عزیزم جناب آقای آقا نوری را مطالعه کردم. این کتاب شایسته آن بود که در آن ایام نورانی با آن مأنوس باشم و به همین دلیل تصمیم به معرفی آن گرفتم. امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که در ضرورت تفاهم و تقریب مذاهب اسلامی، شک و تردید کند. چرا که مطالعات تاریخی و مشاهدات کنونی، این حقیقت را ثابت کرده است که تفرق‌ها و تشتت‌ها خواست دشمنان اسلام است. با وجود وضوح ضرورت تقریب اسلامی و وحدت مسلمانان، اما همچنان ابهامات بسیاری در معنا و مبنای تقریب و نیز حدود و ثغور آن وجود دارد. بنابراین، این عرصه چشم انتظار مطالعات و تحقیقات نظری بسیاری است. مطالعه سیره، سخن و نوع رویکرد اهل بیت نسبت به مخالفان مذهبی از جمله میان‌برهایی است که می‌تواند ما را به تقریب درست و راهبردی، رهنمون شود. گفتار و رفتار امامان شیعه، در نقش الگوهای برتر دینی، هم اهمیت و مکانت هم‌گرایی اسلامی را نشان می‌دهد و هم آفات و لغزش‌گاه‌هایی را که داعیان تقریب، باید از آنها برحذر باشند، روشن می‌کند.

این نوشتار به معرفی و بررسی کتاب امامان شیعه و وحدت اسلامی، اثر علی آقانوری، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم می‌پردازد که کوشیده تا میزان اهتمام پیشوایان شیعه به هم‌دلی و وحدت مبنایی مسلمانان و هم‌چنین راه کارهای تحقق این همدلی و موانع و آسیب‌هایی که این آرمان اسلامی را مورد تهدید قرار می‌دهد، نشان دهد. کتاب حاضر، در ۷ فصل سامان یافته است. در انتهای کتاب نیز پیوست‌هایی که در برگزیده نامه‌ها و بیانیه‌هایی در نكوهش افراط در تکفیر و نیز رفتارهای تفرقه‌افکنانه و پیامدهای زبان‌بار سب و لعن است، آمده است. اینک به بررسی برخی از فصول هفت‌گانه کتاب حاضر می‌پردازیم.



علی آقا نوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: نشر دانشگاه ادیان و مذاهب، تابستان ۱۳۸۷

درباره کتاب فصل اول؛ کلیات

در این فصل، مؤلف به تعریف و توضیح کلیات مهم برای ورود به بحث پرداخته است. کلیاتی از قبیل مراد از وحدت اسلامی، قرآن و وحدت اسلامی، پیامبر و وحدت اسلامی، موانع و مشکلات امامان در عصر حضور و اقسام مخالفان در عصر حضور اهل بیت.

وی وحدت را تبدیل گسستگی به هم‌بستگی، واگرایی به هم‌گرایی، پراکندگی به پیوستگی، اختلاف نظر به وحدت نظر و تعیین هدفی مشترک و توافق برای برگزیدن راهی مشخص برای رسیدن به آن در نظر گرفته و بیان می‌کند که در ترسیم الگویی از وحدت اسلامی، با راه‌ها و تصورات گوناگونی رو به رو هستیم؛ چرا که نواندیشان، مصلحان و صاحبان هر یک از عقاید و مذاهب مختلف اسلامی، تلقی خاصی از این مقوله دارند.

از نگاه مؤلف، این اثر، وحدتی ماندگار است که بر پایه تقریب بین باورهای انواع مذاهب، استوار باشد؛ تقریبی اساسی میان اصول و ارکان مذاهب، و نه تقریب صوری و نمادین، بین معدودی از اندیش‌وران چند مذهب.

آن‌گاه با بیان این مطلب که با ارائه راه‌کارهایی مناسب‌تر و علمی‌تر که هم ریشه در راه و رسم اهل بیت دارد و هم بر مبنای دین استوار است، می‌توان به وحدت مطلوب و ماندگار اسلامی دست یافت، به ویژگی‌های این نوع وحدت، اشاره می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. در وحدت مطلوب اسلامی، باید پذیرفت که مسلمانان با وجود اجتهادهای کلامی و فقهی و سیاسی مختلف، امت واحده هستند. عناصر قوام‌بخش این امت نیز، پذیرش اصول مشترکی چون توحید، نبوت، معاد، و اعتقاد و التزام به احکام و فروع عملی مورد قبول همه مسلمانان است؛

۲. در وحدت اسلامی، برخورد و مواجهه فکری با دیگر گروه‌های رقیب باید بر پایه مجادله احسن، مدارا و حسن معاشرت باشد؛

۳. وحدت مطلوب و حقیقی مسلمانان را باید بر پایه مبانی و اصول دینی، استوار کرد و آن را به عنوان مطلوب فی نفسه، یک وظیفه دینی دانست؛

۴. در وحدت مطلوب اسلامی نباید از باورهای هیچ گروهی لوازم ساختگی، ناخواسته و غیر قابل قبول آنان را برداشت کرد و به ایشان نسبت داد؛

۵. وحدت‌طلبان واقعی و نه صوری به این نکته وقوف دارند که آن‌چه جامعه اسلامی را در گذشته و حال دچار آسیب و مشکل کرده و می‌کند، وجود دیدگاه‌های متنوع کلامی و فقهی و غیره نیست؛ بلکه مشکل اصلی را می‌باید بیش از همه در نوع نگرش‌ها، برخوردها، سوءتفاهم‌ها، سیاه‌نمایی و احیاناً تحریک احساسات مذهبی جستجو کرد. نویسنده در ذیل عنوان قرآن و وحدت اسلامی، با بیان این نکته که ائمه، قرآن را مهم‌ترین محور وحدت می‌دانستند و مکتبشان برگرفته از آموزه‌های آن است به نگاه کلی قرآن به پدیده وحدت اشاره می‌کند و آن را در دو محور تأکید بر وحدت و هم‌دلی و نهی از تفرقه و راه‌کارهای ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه مورد بررسی قرار می‌دهد. وی، آن‌گاه با ذکر این نکته که بیش از ۵۰ آیه قرآن به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های کسب اتحاد و عوامل اختلاف پرداخته، به نمونه‌هایی از این آیات اشاره می‌کند. سپس به این موضوع مهم توجه می‌کند که آن‌چه البته در فرهنگ قرآن و شریعت اسلام، مدنظر و مورد اهتمام است، رعایت حدود، ثغور و بیان معیارهای نظری، عملی و راه‌های روشمند و جهت‌مند کردن اختلافات است و نه ریشه کن کردن اصل آن. بنابراین باید به دو مورد مهم حق‌گرایی و دوری از عناد و نیز تمسک به کتاب و سنت توجه شود. همچنین در ذیل عنوان پیامبر(ص) و وحدت اسلامی، مؤلف به بیان پاره‌ای از سخنان و سیره نبوی که با هدف اولیه ایجاد وحدت اسلامی، صورت می‌گیرد، در دو بخش دعوت عمومی پیامبر(ص) به هم‌بستگی و سیره عملی ایشان پرداخته و برخی از تلاش‌ها و روش‌های عملی پیامبر را در ایجاد هم‌دلی و وحدت اصحاب بیان می‌کند که عبارتند از:

۱. تأسیس مسجد و تأکید بر اجتماع مومنان در نمازهای جمعه و جماعت؛

۲. تشکیل امت واحده اسلامی؛

۳. ایجاد پیوند اخوت ایمانی، میان افراد و گروه‌های مسلمان؛

۴. ایجاد وحدت ملی و هم‌بستگی و پیمان‌نامه عمومی میان مردم؛
۵. تعیین رسول اکرم(ص) به عنوان مرجع قانونی حل اختلافات؛
۶. مبارزه معقول با عادات و تعصبات جاهلی.
در بخش دیگری از این فصل، نویسنده به موانع و مشکلات امامان در عصر حضور پرداخته و مهم‌ترین آن‌ها را در:

- الف) انواع فشار و اختناق سیاسی؛
- ب) رقابت‌ها و تنازعات درونی اصحاب شیعی؛
- ج) ظهور پدیده غلو و غالی‌گری؛
- د) پدیده جعل و تحریف احادیث بیان می‌کند.

در بخش پایانی فصل اول به اقسام مخالفان در عصر حضور اهل بیت اشاره می‌شود که عبارتند از: مخالفان داخلی و خارجی مکتب اهل بیت، که به سه دسته: صاحبان ادیان و اندیشه‌های غیر اسلامی؛ خلفا و حاکمان سیاسی؛ و مذاهب کلامی و فقهی تقسیم‌پذیرند. البته گفتنی است که این دسته آخر از مخالفان، بیشتر مورد توجه و دغدغه وحدت‌خواهی اهل بیت بودند که در مجموع می‌توان آن‌ها را در سه گروه عمده پیروان مذهب عامه، فرقه‌های کلامی و فرقه‌های انشعابی شیعه جای داد.

فصل دوم؛ ضرورت و جایگاه وحدت سیاسی اجتماعی در سیره و سخنان ائمه

وحدت اجتماعی مسلمانان و دوری از تفرقه و تنازع سیاسی اجتماعی نزد اهل بیت به‌مثابه یک هدف و در اولویت نخست بوده است. نویسنده این فصل به گوشه‌هایی از تلاش و توجه ائمه در قالب سفارش‌ها و سیره عملی اشاره می‌کند. در بخش اول به سفارش ائمه(ع) به اجتماع و پرهیز از تفرقه پرداخته و دستورات شریعت اسلام به وحدت اجتماعی و تأکید و سفارش امامان شیعه به این مهم را یادآوری و ارشاد به حکم عقل و سیره عقلا قلمداد می‌کند. در بخش دیگر از این فصل به سیره عملی اهل بیت پرداخته شده است و به سیره وحدت‌طلبانه امام علی(ع) به‌طور مبسوطی اشاره می‌کند و اهم رفتارهای وحدت‌طلبانه آن حضرت را بیان می‌کند که عبارتند از:

۱. سیاست صبر و سکوت؛

۲. بیعت و مصالحه با نظام حاکم؛
۳. مساعدت فکری و تصحیح اشتباه‌های حقوقی و قضایی؛
۴. مشاوره و کارشناسی نظامی؛
۵. برخورد حکیمانه امام علی(ع) در جریان شورش برعثمان؛
۶. سیره وحدت‌طلبانه امام علی(ع) در دوران خلافت خویش.

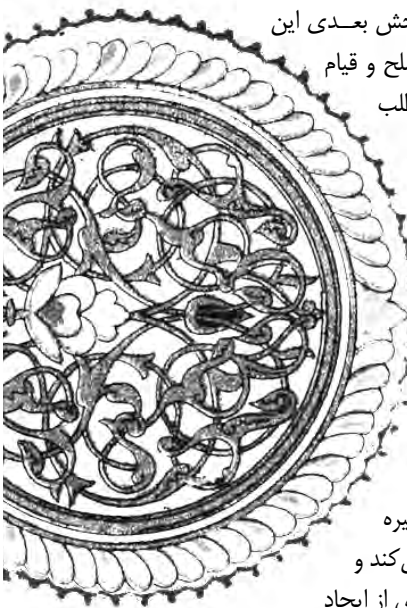
مؤلف در پایان این بخش با ذکر این فرمایش امام علی(ع) که «صلح و سازش را مادامی که به سستی پایه‌های اسلام منجر نشود، سودمندتر از جنگ و خون‌ریزی یافته‌ام»، به سراغ بخش بعدی این فصل، یعنی عنصر وحدت‌طلبی در صلح و قیام

حسنین(ع) می‌رود. وی با بیان این مطلب که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در روزگار خلفای راشدین، پایه‌پای پدر بزرگوارشان حرکت می‌کردند و بنابراین، نمی‌توان مواضع جدای از مواضع امام علی(ع) را برای آنها در نظر گرفت، به بررسی صلح امام حسن(ع) و قیام امام حسین(ع) می‌پردازد.

در خاتمه این فصل، نویسنده به سیره وحدت‌طلبانه دیگر امامان اشاره می‌کند و تلاش آن‌ها را بر پایه حفظ اصل جلوگیری از ایجاد تنش‌های سیاسی اجتماعی بیان می‌کند. وی یادآور می‌شود که مسیر وحدت‌طلبی دیگر امامان به گونه‌ای نبود که به تقویت و قبول و تأیید نظام خلافت اموی و عباسی بیانجامد که از طریق قهر و غلبه یا فرصت‌طلبی به قدرت رسیده بودند، بلکه باید وحدت‌خواهی آنان را بر محور حفظ کیان سیاسی اسلام، تقویت کلیت دولت و نظام اسلامی و جلوگیری از نابودی آنان در مقابل بیگانگان تفسیر کرد.

فصل سوم؛ مبانی نظری و محورهای وحدت از نگاه امامان

گفتنی است که امر مهم اتحاد مسلمانان با سلیقه‌ها و افکار مختلف، با صرف صدور دستور و بدون ملاحظه مبانی و اصول مشترک و ارائه چارچوب و محورهای مورد



قبول همگان به هیچ‌وجه میسر نخواهد شد. بنابراین، امامان شیعه، مبانی، شرایط و اصول مشخصی را ارائه کردند که توجه به آنها می‌تواند بهترین پایه وحدت‌طلبی، رسیدن به اتحاد یا کاهش و جهت‌مند کردن اختلافات باشد. مجموعه این موارد به پنج اصل محوری و وحدت‌بخش باز می‌شود که عبارتند از:

الف) به رسمیت شناختن اختلاف سلیقه و اندیشه؛

ب) محوریت قرآن؛

ج) تمسک به سیره و سخن پیامبر(ص)؛

د) توجه به اصول مشترک دینی؛

و) اطلاعات از رهبری دینی و سنت و سیره اهل بیت

به عنوان روشن‌ترین راه بیان تعالیم قرآن و سنت نبوی.

پای‌بندی به اصول و ادبیات نقد، تحمل مخالفان،

پرهیز از تکفیر و نگاه مثبت به آنان را نیز می‌توان در

چارچوب پذیرش این اصول ارزیابی کرد.

به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار، طبایع و

سلاقی اجتناب‌ناپذیر بشری را باید نخستین و چه بسا

مهم‌ترین گام و مبنای وحدت‌طلبی به شمار آورد.

در ادامه این فصل، مؤلف به نگاه کلی قرآن به این

نوع اختلافات اشاره می‌کند و سپس به ارائه گزارش

مختصری از رویکرد اهل بیت به این مهم می‌پردازد.

اهتمام آن بزرگان به این آموزه صریح قرآنی را می‌توان

در تقسیم‌بندی آنان از مجموعه افراد بشری و نیز توجه

دادن به تفاوت درجات ایمان و درک مومنان از یک سو و

از طرف دیگر در تقسیم معارف دینی به وضوح دریافت.

اصل مهم بعدی وحدت‌بخش، محوریت قرآن است

که آشکارا، تمام جامعه اسلامی را به چنگ زدن به

ریسمان الهی و اجتناب از تفرقه دعوت کرده است. علت

اهتمام ویژه به محوریت قرآن، به ویژگی‌های مهم قرآن،

همچون جامعیت قرآن در بیان تعالیم کلی دین، وضوح

مفاهیم و تعالیم قرآن و مرجعیت آن بازگشت دارد.

تمسک به سنت نبوی، دومین منبع اصیل شریعت و از

مهم‌ترین محورهای وحدت‌بخش و مورد اتفاق مسلمانان

است.

آموزه‌ها، اصول و مشترکات قطعی دینی و توجه به

آن‌ها نیز یکی دیگر از مهم‌ترین محورهای وحدت در یک

جامعه دینی است و شاید از مهم‌ترین ضوابط و معیارهای

فکری از نگاه قرآن و سنت، عدم تخطی و عدول از اساس

و پایه‌های مشترک و اصول دین باشد.

در واقع، می‌توان پایه‌های کلی و خدشه‌ناپذیر تعالیم اسلام در عرصه‌های نظری و عملی را که شاخصه دین‌داری نیز هستند، در این موارد بیان کرد:

۱. ایمان به خدا، غیب، رسالت انبیا و معاد، پذیرش

این موارد از اساسی‌ترین شرایط پذیرش هر دین الهی و از

مشترکات بین اسلام و دیگر ادیان الهی است؛

۲. ایمان به قرآن و رسالت حضرت محمد(ص) که

لازمه مسلمانی است؛

۳. التزام به احکام عملی.

اصل آخر وحدت‌بخش، اطاعت از رهبری دینی و

مرجعیت اهل بیت است. مرجعیت اهل بیت و امامان شیعه

به عنوان بارزترین مصادیق آن به گواهی و تأیید قرآن

و سنت رسیده و فی‌الجمله، مورد گواهی عالمان بزرگ

اهل سنت نیز قرار گرفته است و می‌توان آن را در طول

مرجعیت کتاب و سیره و سخنان پیامبر(ص) قبول کرد.

فصل چهارم؛ راهکارهای تحکیم وحدت و تقریب

مذهبی از نگاه امامان

در این فصل، مؤلف کتاب به بیان راهکارهای تحکیم

وحدت از دیدگاه امامان شیعه پرداخته و بیان می‌کند که

مجموعه سخنان و اصول عملی اهل بیت در مورد راه‌های

رسیدن به وحدت اجتماعی و مذهبی را می‌توان در سه

محور کلی، تبیین کرد:

الف) گزارش‌هایی که در آن به هم بستگی و همگرایی

مذهبی و شرکت و حضور اجتماعی در مراسم و شعائر

مذهبی و مناسک عبادی دعوت می‌شود؛

ب) گزارش‌هایی که از تلاش اهل بیت در ترویج

محورها، زمینه‌ها، عوامل و راهکارهای عملی رسیدن به

دوستی، پیوند اجتماعی و اخوت ایمانی، حکایت دارد؛

ج) گزارش‌هایی که در آن تلاش شده تا موانع دوستی

و پیوند اجتماعی برطرف شود.

سپس به برخی از مهم‌ترین برنامه‌های امامان شیعه

برای وحدت اشاره می‌شود که عبارتند از:

۱. حضور در عبادات و شعائر مذهبی اجتماعی که

در ذیل نماز جماعت، نماز جمعه و عیدین، تأکید بر

فریضه حج، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، تحقق

می‌پذیرفت؛

۲. تأکید بر روابط اجتماعی و عاطفی و اخوت دینی

در میان مسلمانان؛

۳. مدارا و اخلاق‌مداری در برخورد با مخالفان که در این موارد صورت می‌گرفت:

(الف) خوش خلقی و ملایمت؛

(ب) پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی؛

(ج) رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان. در این مورد، نویسنده به بررسی سیره امام علی(ع) و سیره دیگر امامان شیعه می‌پردازد و مواردی را به عنوان شاهد مثال بیان می‌کند؛

(د) تاکید بر رعایت حقوق اجتماعی و مدنی. در اینجا به نوع برخورد حقوقی و میزان رسمیت داشتن و آزادی اندیشه‌های مخالف نزد امامان پرداخته می‌شود و به این منظور، سیره امام علی(ع) و دیگر امامان شیعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است که مؤلف برای روشن‌تر شدن مباحث پیش‌گفته و حدود و ثغور برخورد امامان با مخالفان مذهبی به بررسی دو تذکر در رابطه با ضوابط مدارا و تفاوت آن با مدهانه و نیز سازگاری وحدت‌طلبی با بدعت‌گریزی می‌پردازد.

در انتهای این فصل، فهرستی از عناوین و تعداد برخی از احادیث اهل بیت درباره آداب معاشرت اجتماعی و فرایض عبادی اجتماعی وحدت بخش در اسلام که از کتاب جامع احادیث‌الشیعه (جلد بیستم) گزارش شده، آورده شده است.

فصل پنجم؛ آثار و لوازم فکری پذیرش اختلاف

امامان شیعه با پذیرش و به رسمیت شناختن پدیده تفاوت‌های فکری و اختلاف سلاقی و طبایع انسانی، و وجود لایه‌های مختلف معنایی در آموزه‌های دینی، آثار و لوازم طبیعی و معقول آن را نیز به رسمیت می‌شناختند. آنان تلاش می‌کردند با جهت‌دهی صحیح این اختلافات به مشترکات دینی بپردازند و با گشودن باب اجتهاد بر پایه معیارهایی چون قرآن و سنت صحیح و تعقل، زمینه را برای ظهور بیشتر آزادی و رشد اندیشه‌ها فراهم کنند. نویسنده در این فصل به مواردی از لوازم پذیرش اختلاف که می‌توانست بیشترین تاثیر را در رفع تنازعات دینی و اجتماعی و ایجاد وحدت مبنایی داشته باشد اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱. تحمل دیگران و عدم تحمیل ایمان؛

۲. ترک مخاصمه و ستیزه‌جویی در امور دینی؛

۳. سفارش به رازداری و نهی از افشای اسرار؛
۴. پرهیز از تکفیر طرفداران فرقه‌های اسلامی که یکی از روشن‌ترین ملزومات پذیرش اختلاف افکار و تعدد برداشت‌ها و اجتهادهای ضابطه‌مند است. البته به شرط عدم تخطی از حوزه دین و مشترکات دینی.

فصل ششم؛ منکران امامت و ولایت، در آینه

احادیث

اختلاف مبنایی مذهبی و کلامی یکی از مهم‌ترین عوامل تنازع صاحب‌نظران تقریب و مخالفان آن است. مخالفان بیشتر مبنایی فکری خود را با استناد به برخی از روایات و تمسک به ظاهر آنها سامان داده‌اند و با این روش می‌کوشند دلسوزان وحدت اسلامی را خلع سلاح کنند.

آیا همه این روایات صحیح است یا خیر؟ و بر فرض صحت سندی، دلالت روشنی بر مقصود و برداشت آن‌ها دارد؟ و اینها سؤال‌هایی است که آنان باید پاسخ دهند، اما در مجموع نمی‌توان منکر شد که پذیرش و پای‌بندی به ظاهر برخی از احادیث، پیامدی را جز مبنای مخالفان تقریب در پی نخواهد داشت. در نتیجه، نقد، بررسی و چاره‌جویی از ظواهر حساسیت‌برانگیز این دسته از روایات ضروری می‌نماید. این دسته از احادیث که البته از احادیث آحاد (خبر واحد) نیز می‌باشد، در قالب‌های مختلفی رسیده و عناوین متعددی را از جوامع روایی به خود اختصاص داده است. نویسنده در این فصل به مضمون کلی برخی از آنها می‌پردازد که عبارتند از:

۱. در برخی از روایات، پذیرش یا رد اعمال عبادی مکلفان و ثواب و عقاب برای آنها، مشروط به نوع رویکرد آنان به امامت و ولایت اهل بیت شده است؛

۲. در دسته‌ای دیگر از روایات بر وجوب معرفت یا ولایت امام تأکید و گفته شده است که عذر تارکان این مهم به هیچ‌وجه، پذیرفته نیست.

آن‌گاه، نویسنده با بررسی و محتوای این روایات به پاسخ‌های متعدد اشاره کرده و برداشت فقیهان از این روایات را در پی می‌آورد و آن‌گاه به نمونه‌هایی از مثبت‌اندیشی امامان درباره مخالفان مذهبی اشاره می‌کند.

فصل هفتم؛ بررسی احادیث افتراق امت

حدیث افتراق از احادیث مشهور منسوب به پیامبر(ص) است که با تعابیر مختلف، در بسیاری از کتب روایی شیعه و سنی و آثار مربوط به ملل و نحل گزارش شده است.

مضمون اصلی و قرائت رایج‌تر این حدیث آن است که پیامبر(ص) فرمودند: از میان امت‌های گذشته، یهودیان به ۷۱ فرقه و نصارا (مسیحیان) به ۷۲ فرقه، منشعب شدند و امت من نیز به ۷۳ فرقه منشعب خواهند شد و همان‌گونه که در میان امت‌های قبلی، همه آنها بجز یک دسته، اهل جهنم یا در وادی گمراهی و هلاکت بودند، امت اسلام نیز دچار چنین سرنوشتی خواهند شد. در بخش پایانی نیز در بیان مصداق گروه ناجیه (راه‌یافته، یا اهل بهشت و رستگار) گزارش‌های متفاوت و احیانا متضادی رسیده است.

مؤلف کتاب در این فصل به بررسی این گزارش‌ها می‌پردازد و با بیان این نکته که این حدیث به گونه‌های متفاوتی گزارش شده است، به بیان گزارش‌ها و تعبیر مختلف حدیث در سه دسته صدر، ذیل و بخش پایانی می‌پردازد. وی در ذیل مقوله تفاوت گزارش‌ها از صدر و ذیل حدیث به دو نکته اشاره می‌کند:

الف) دسته‌ای از آن‌ها تنها به بیان دسته‌بندی فرقه‌ها و تعداد آن‌ها در امت‌های گذشته و افزون بر آن در امت اسلامی پرداخته و هیچ اشاره‌ای بر نجات و هلاکت دسته یا دسته‌های خاصی نکرده‌اند؛

ب) در دسته‌ای دیگر که حجم عمده گزارش‌های این حدیث را تشکیل می‌دهد، نه تنها به اصل افتراق صاحبان ادیان قبلی و نیز مسلمانان اشاره شده که بلکه به بحث هلاکت و نجات یا دوزخی و بهشتی بودن عده‌ای از آن‌ها نیز پرداخته شده است. در این دسته از گزارش‌ها اشاره شده که: از ۷۱ فرقه یهودی، ۷۲ فرقه مسیحی و ۷۳ فرقه مسلمان، همه به جز یک فرقه، اهل دوزخ یا در ضلالت و هلاکت هستند. روایتی دیگر از میان ۷۳ فرقه، ۳ فرقه را اهل نجات و بقیه را جهنمی می‌داند. در نقطه مقابل این دسته از روایات، روایات غیرمشهوری وجود دارد که تمامی ۷۳ فرقه اسلامی، بجز زنادقه را اهل نجات و بهشتی می‌داند. نویسنده آن‌گاه اختلاف و تناقض در ویژگی‌ها و اسامی فرقه ناجیه و هالکه اشاره می‌کند.

سپس به پیامدهای کلامی فرقه‌ای حدیث افتراق پرداخته است.

نویسنده در این فصل با آوردن چند نمودار، تأثیرپذیری برخی نویسندگان مشهور دانش فرقه‌شناسی از حدیث افتراق، اسامی و تعداد فرقه‌ها و مذاهب اسلامی (براساس کتاب مفاتیح‌العلوم محمد بن احمد خوارزمی)، فرقه‌های ۷۳ گانه بر اساس کتاب عقائد الثلاث و السبعین

فرقه (اثر ابو محمد یمینی)، فرقه‌های ۷۳ گانه بر اساس گزارش کتاب تلبیس ابلیس (اثر ابن جوزی)، اسامی و تعداد اصلی و انشعابی فرقه‌های اسلامی براساس کتاب ۷۳ ملت (اثر نویسنده ناشناخته) و اسامی و تعداد فرقه‌های شیعی براساس کتاب مشهور ملل و نحل را نشان می‌دهد. در پایان این فصل، نویسنده به نقد و بررسی محتوایی حدیث پرداخته و مشکلات این حدیث را برمی‌شمارد. از جمله، سازگاری نداشتن محتوا و پیام این حدیث با برخی از آیات و روایات دیگر اهل بیت و پیامبر.

نتیجه‌گیری

مطالعه مباحث و فصول اثر حاضر نتایج ذیل را در پی دارد:

۱. دعوت به وحدت اجتماعی و فرائد از آن، ایجاد الفت و محبت در جامعه اسلامی و پرهیز از تفرقه و تحزب و تنش‌های بی‌حاصل سیاسی، اجتماعی و فکری یکی از مهم‌ترین اصول و دستورهای قرآن و پیامبر بوده است.

۲. امامان شیعه و بویژه امام علی(ع) با استمرار دعوت پیامبر اسلام، همواره به ضرورت توجه به این وظیفه مهم می‌اندیشیدند و سیره و سخن خود را بر مبنای وحدت سیاسی و اجتماعی و جلوگیری از تنازعات بی‌حاصل فکری مسلمانان قرار داده بودند.

۳. آن بزرگان، علاوه بر دعوت به وحدت، الفت اجتماعی، گذشت و سعه صدر، مبانی و محورهای مشترک بین مسلمانان را نیز مشخص می‌کردند و با تکیه بر آن، اختلافات فکری و سلیقی مختلف مذهبی ایشان را به رسمیت می‌شناختند.

۴. آن بزرگان، نه تنها در ارائه راه کارهای علمی و عملی و بیان شیوه‌های به دست آوردن وحدت، الفت اجتماعی و تقریب مذهبی از چیزی فروگذاری نکردند، بلکه تقویت بنیان‌های اخلاقی، اخوت اسلامی و هم‌بستگی اجتماعی را اساس سیره خود قرار داده بودند.

۵. امامان شیعه، رقبای فکری، مخالفان و منکران امامت خود را از دایره مسلمانان، خارج نمی‌دانستند و به اصحاب خود سفارش می‌کردند که از نگاه تحقیرآمیز به آنان پرهیز کنند.

در خاتمه می‌توان به این مهم، اشاره کرد که اندیشه وحدت اسلامی، منشأ دینی و مذهبی داشته، و برگرفته از کتاب و سنت است.